

نگاهی به شکست توطئه‌های غرب بر ضد بیداری اسلامی

غرب آسیا یکپارچه علیه استعمارگران قرن بیست‌ویک

افول جلوه‌گری تمدن غرب و اعتراف متفکران غربی به سرگردانی معرفتی و عملی منجر به رجوع اندیشمندان ❖ امسال نتیجه و جوانان دنیای اسلام به ثروت‌های معرفتی و سیاسی خود شده است. رهبر انقلاب در **پیام حج** خواندند «مقاومت» این بیداری و خودآگاهی را بروز پدیده‌ای شگرف و معجزآسا در قلب دنیای اسلام به نام در گزارش زیر به بررسی شکست طرح‌های استکباری علیه بیداری ملت‌های اسلامی و **KHAMENEI.IR** رسانه مقاومت جوانان منطقه پرداخته است.

در نهایت خمینی بود که بر شاه، مردم ایران را به زندگی و حیات دعوت می‌کرد. خمینی اما آنها را به مرگ" ■ شاه و ارتش شاه به‌عنوان ششمین ارتش قدرتمند دنیا غلبه کرد و با استقبالی میلیونی وارد ایران شد! این‌ها سطرهایی از کتاب یک تحلیل‌گر صهیونیست است که به‌زعم خود در پی تحلیل و ریشه‌شناسی انقلابی بود که در بهمن ۵۷ در ایران رخ داد. انقلابی که با هیچ‌کدام از نظریات و تئوری‌های علوم سیاسی و اجتماعی قابل تحلیل نبود. واقعیت خمینی و مسیری که او دعوت به آن می‌کرد با هیچ‌کدام از مکاتب سیاسی و اجتماعی غرب قابل توضیح و تبیین نیست. همین واقعیت هم باعث شده که تحلیل‌گر سیاسی و امنیتی صهیونیست در مواجهه با نهضت امام خمینی رحمه‌الله علیه و انقلاب اسلامی، متعجبانه چنان عباراتی بر زبان بیاورد

دعوت امام خمینی رحمه‌الله علیه محدود به یک دعوت شیعی یا حتی اسلامی نبود؛ یک دعوت انسانی بود برای نفی هرگونه سلطه. یک متفکر فرانسوی که در اوج راهپیمایی‌ها و اعتراض‌های مردمی در تابستان و پاییز ۵۷ برای بررسی نزدیک‌تر وقایع به ایران آمده بود توصیف جالبی از ماجرا دارد: «درماندگی آدم‌های سیاسی قابل‌درک است. کار آنها برپا کردن راه‌حل است و این راه‌حل‌ها سهل‌الوصول‌تر از آنند که می‌گویند چاره‌اندیشی‌هایی که از طریق رژیم نظامی محض به تغییری در قانون اساسی می‌رسند و راه برای نظام جمهوری می‌کشایند. پس مردم دیگر چه می‌خواهند. آیا چیزی بیش از این می‌خواهند؟ به همین دلیل است که همه در بن‌بست هستند. در حساب سیاست چنین جنبشی را باید کجا نشانند؟! جنبشی که در آن نفس مذهبی دمیده شده است و بیش از آنکه از عالم بالا سخن بگوید به دگرگونی این دنیا می‌اندیشد!» او با همه نگرش و جهان‌بینی متأثر از جهان‌بینی غرب شامه خوبی داشت و تا حدی توانسته بود تمایز واقعیت جدید در این‌سوی انقلاب ۵۷ جریانی بود که رفتن زیر سایه آمریکا و انگلیس و غرب و سیاهی لشکر بودن آنها. دنیا را حس کند. را قبول نداشت. در این مسیر حتی ابایی هم نداشت که در دفاع از آرمان خود بجنگد و کشته شود

نقطه مقاومت حالا یک جبهه شده است

ایران مهد نهضت امام خمینی رحمه الله علیه بود. همین هم باعث شد که نقطه شروع دشمنی استعمار و استکبار و نوک تیز دشمنی و شیطنت غرب هم ایران باشد؛ از اجیر کردن مخالفان داخلی و منافقان گرفته تا ترور مسئولان انقلاب و ترور خیابانی مردم عادی و انفجار و کودتا و جاسوسی و درنهایت هم تحریک مجنونی به نام صدام برای تجاوز به خاک ایران و همراهی شرق و غرب

نهضت و قیام و بیداری اسلامی خمینی رحمه الله علیه در عین همه درگیری‌ها اما به‌مانند آب روانی که از آسمان حقیقت باریده، در تمام این سال‌ها راه خود را پیدا و عطش استقلال و مقاومت مردم را سیراب می‌کرد. انقلاب اسلامی حالا از پس توفان‌های تجزیه و جنگ و فتنه‌های مختلف سیاسی براندازانه و تحریم و فشار حداکثری و حتی دزدی‌های دریایی بزدلانه و توقیف نفت‌کش‌ها سربلند بیرون و جبهه خود را گسترش داده است

چهار دهه قبل اگر ایران تنها نقطه و محل منازعه غرب با بیداری اسلامی بود، امروز اما جبهه بسیار گسترده‌تر شده است؛ شرق تا غرب جهان اسلام زنجیره‌های متعدد یک محور شده‌اند که سه دهه بعد از ارتحال خمینی کبیر رحمه الله علیه روزبه‌روز قدرتمندتر از دیروز قد کشیده‌اند. مسئله فلسطین بعد از ۷ دهه نه فقط مسئله اول جهان اسلام که به مسئله اول هر فرد و گروه و جامعه‌ای تبدیل شده که نمی‌خواهد تن به سلطه استعمار بدهد. بی‌جهت نیست که عالی‌ترین مسئول سیاسی یک کشور در آمریکای جنوبی، فلسطین را مقدس‌ترین مسئله بشریت توصیف می‌کند و زن جوان مسیحی در این سوی کره زمین با بغض، خود را مفتخر به سربازی جبهه مقاومت و سید حسن نصرالله و قاسم سلیمانی می‌داند

عقب‌نشینی قدم‌به‌قدم صهیونیست‌ها

نسل جدید فلسطینی‌های کرانه باختری و حتی فلسطینی‌هایی که در سرزمین‌های اشغالی به دنیا آمده و موضوع غصب فلسطین برای آن‌ها صرفاً بخشی از تاریخ است، در یک دهه اخیر، راهکار مسئله فلسطین را نه تنها سازش با دشمن صهیونیستی نمی‌دانند بلکه با حمایت از گروه‌های مقاومتی که مسیر برخورد نظامی و مسلحانه را با دشمن در پیش گرفته‌اند معتقدند تنها راه حل مسئله فلسطین مقاومت است. آن سوی دیگر نسل مقاومت فلسطین در نوار غزه است که با حمایت جمهوری اسلامی ایران، مرز درگیری با رژیم صهیونیستی را به پشت دیوارهایی رسانده‌اند که قرار بوده مایه حفاظت این رژیم را فراهم آوردند

رژیمی که در دهه ۴۰ شمسی نسخه ارتش‌های چند کشور عربی را ۶ روزه در هم پیچیده بود در سال ۱۳۷۸ شمسی به در مقابل مقاومت لبنان تاب نمی‌آورد و از اراضی جنوب لبنان عقب‌نشینی می‌کند، تصمیمش

برای تهاجم و اشغال مجدد جنوب این کشور در جنگ ۳۳ روزه شکست می‌خورد و در نبردهای ۲۲ روزه و ۱۲ روزه و شمشیر قدس مجبور است در آسمان خود با موشک‌های مقاومت مبارزه کند و به درون دیوارهایی بخزد که با دست خودش دورش کشیده است. این را می‌توان از نامی که برای عملیات نظامی خود در برابر مقاومت «فلسطین انتخاب کرده هم فهمید: «پاسبان دیوارها»

کارویژه رژیمی که روزگاری در نیم روز کل توان هوایی مصر را منهدم و خاک شبه‌جزیره سینا در مصر و جولان در سوریه و کرانه باختری را با قدرت به اراضی اشغالی ضمیمه می‌کرد امروز به «پاسبانی از دیوارها» تقلیل پیدا کرده است.

مقاومت اجازه تغییر در منطقه را نمی‌دهد

بحران تروریسم در غرب آسیا و در کشورهای سوریه و عراق، گواه روشن دیگری از شکست توطئه‌های نظامی و سیاسی و رسانه‌ای غرب علیه استقلال طلبان مسلمان منطقه است. منطقه‌ای که جغرافیای سیاسی آن تاکنون چهار مرتبه مورد طمع استعمارگران قرار گرفته است. دو مرتبه آن در سال‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۴۸ به پیروزی استعمارگران انجامید و به ترتیب موجبات فروپاشی یک امپراتوری مسلمان در منطقه و روی کار آمدن رژیم‌های مرتجع و سپس رژیم صهیونیستی را در منطقه فراهم آورد. دو مرتبه دیگر هم یک بار در جنگ ۳۳ روزه و دیگر بار در بحران شام که قرار بود نقشه منطقه به سود منافع غرب تغییر کند. مرتبه اول به یمن مقاومت سرافراز لبنان این نقشه به بایگانی تاریخ پیوست و در مرتبه دوم هم به برکت متشکل شدن مردم مسلمان منطقه و با فرماندهی میدانی جمهوری اسلامی موجبات شکست نقشه تجزیه منطقه فراهم آمد.

هیلاری کلینتون وزیر خارجه وقت آمریکا در ابتدای دهه ۹۰ شمسی و زمانی که هنوز بحران تروریسم در سوریه به این حد نرسیده بود بهترین راه برای کمک به اسرائیل در مقابل ایران را ساقط شدن رژیم بشار اسد اعلام کرده بود. او در ادامه به وضوح خاطرنشان کرده بود که باید با همکاری با متحدان منطقه‌ای مانند ترکیه، عربستان و قطر، شورشیان سوریه سازمان بدهیم و آنها را مسلح کنیم. هدف واضح بود: پایان دادن به عقبه! راهبردی مقاومت به رهبری ایران در منطقه

آن‌ها در قالب چنین سناریویی حتی ابایی از این هم نداشتند که ضمن به هم ریختن نقشه منطقه، در شمال غرب عراق و شرق سوریه دولت مجعولی از تکفیری‌ها را تشکیل دهند. مهم آن است که جلوی بیداری و آگاهی آژانس امنیت دفاعی ارتش آمریکا یک سال قبل از وزیر خارجه وقت‌شان، خود در مردم منطقه گرفته شود سندی در همان زمان درباره آینده درگیری‌های این منطقه در قالب گزارشی محرمانه که بعدها عمومی شد

چنین می‌نویسد: «حوادث فعلی در سوریه و عراق به جنگی نیابتی تبدیل می‌شود. نیروهای مخالف می‌کوشند بخش‌های شرقی سوریه را به کنترل خود درآورند که با مناطق غربی عراق هم‌مرزند. کشورهای غربی، دولت‌های حوزه خلیج فارس و ترکیه از این تقسیم‌بندی حمایت می‌کنند... اگر اوضاع همین‌طور پیش رود ممکن است سلفیست‌ها به شرق سوریه تسلط یابند. این دقیقاً همان چیزی است که قدرت‌های خارجی خواستار آن هستند تا مخالفان را حمایت کنند.» هرچند چهار سال بعد از این گزارش، داعش با حمایت آمریکا و متحدانش، بخش‌های مهمی از خاک این مناطق را تحت حاکمیت خود درآورده و حاکمیت جدیدی در منطقه هم‌راستان با انگیزه‌های استعماری غرب و آمریکا تشکیل داده بود.

ارسال سنگین سلاح به منطقه و تبدیل کردن غرب آسیا به انبار باروت، حمایت سنگین مالی و اقتصادی از تروریست‌ها از سوی غرب و حامیان مرتجع آنها در منطقه، همکاری و همراهی با تروریست‌ها در قالب‌های مختلف از خرید نفت قاچاق و دزدی مردم سوریه و عراق از آنها تا درمان‌شان در بیمارستان‌های صهیونیست‌ها، ورود مستقیم نظامی علیه دولت قانونی سوریه و بسیج مردمی عراق، حمایت سنگین رسانه‌ای در تریبون‌های تبلیغاتی و رسانه‌ای از رسانه‌های اصلی انگلیسی‌زبان بین‌المللی گرفته تا رسانه‌های منطقه‌ای وابسته به جریان‌های مرتجع عرب منطقه هرکدام سرفصل کتابی قطور از خواب سنگینی است که استعمارگران قرن بیست‌ویک برای غرب آسیا دیده بودند.

همراه با مقاومت از اخراج آمریکا تا محو اسرائیل

وقایع بعدی اما آن طوری پیش رفت که هیلاری کلینتون و آژانس امنیت دفاعی ارتش آمریکا و تحلیلگران بین‌المللی پیش‌بینی کرده بودند. یک نفر جلوی اجرای نقشه‌های آنها را در آمریکا گرفته بود. چه زمانی که غرب، فتیله شعله بحران در شام را بالا برد و چه زمانی که تروریست‌های تحت حمایت آمریکا و غرب به دروازه‌های بغداد و نزدیکی مرزهای ایران رسیدند یک نفر مأمور مقابله با آنها شده بود. هرچند هدف اصلی شهید قاسم سلیمانی مبارزه با شیطان بزرگ (آمریکا) و اخراج او از منطقه و نابودی همدست جنایتکارش (رژیم صهیونیستی) بود اما مقدمه نابودی و انهدام آنها، منهدم کردن گروه‌های ریزودرشت تروریستی بود که به جان مردم منطقه افتاده بودند.

با فرماندهی شهید سلیمانی بود که اقشار متعددی از اهل سنت و شیعه منطقه از ایران، عراق، پاکستان، افغانستان، سوریه، یمن و لبنان دورهم جمع شدند تا علیه استعمارگران بایستند. جبهه تکفیری و سلفی منطقه که در جهت منافع استعمار، کشوری جدا در منطقه و میان عراق و سوریه تشکیل داده بود در نهایت با موج مقاومت روبرو شد. مجاهدانی از ایران، فلسطین، لبنان، عراق و یمن اجازه تغییر مرزهای منطقه را ندادند.

بیخود نیست که دشمن صهیونیستی حالا همان قدر که از مقاومت لبنان و فلسطین احساس خطر می‌کرد از مقاومت در عراق و یمن هم احساس خطر می‌کند و بعضاً تقابلاً مستقیم نظامی با این جریان‌ها دارد.

از دو دهه قبل ارتش تروریستی آمریکا و متحدان غربی‌اش که روزگاری با لشکرکشی به عراق و افغانستان در شرق و غرب ایران اردو زده و در کشورهای حاشیه جنوب خلیج فارس هم صاحب پایگاه‌های متعدد نظامی و سیدالشهدای اطلاعاتی بودند به خیال خود ایران را به محاصره درآورده‌اند. امروز هرچند حاج قاسم سلیمانی جبهه مقاومت - علی‌الظاهر حضور ندارد اما به برکت جریان مقاومت، فرایند اخراج آمریکا از منطقه کلید خورده و دیگر در شرق و غرب ایران خبری از نظامیان اشغالگر نیست. در آن سو قلب تپنده مقاومت در تهران در قالب یک محور تا پشت مرزهای صهیونیست‌ها کشیده شده است.

مرور بعضی فرازهای پیام رهبر معظم انقلاب به حجاج بیت‌الله الحرام در چنین بستری معنادارتر می‌شود: «پیشانی و ناکامی آمریکا و همدست جنایتکار او یعنی رژیم غاصب در منطقه را میتوان در صحنه‌ی حوادث فلسطین و لبنان و سوریه و عراق و یمن و افغانستان بوضوح تماشا کرد. در نقطه‌ی مقابل، جهان اسلام مملو از ترین سرمایه برای ساختن آینده، امید و اعتماد به نفس است که امروز در جوانان پُرانگیزه و بانشاط است. بزرگ جهان اسلام بویژه در کشورهای این منطقه موج میزند .. همه وظیفه داریم این سرمایه را حفظ کنیم و افزایش [۱۴/۰۴/۱۴۰۱](#) دهیم.»

بیداری در فکر و آگاهی و تحلیل

این بیداری و خودآگاهی محدود به ساحت نظامی و سیاسی نمانده است. افکار عمومی جهان اسلام به‌طور عام و مردم منطقه به صورت خاص حالا همان شعاری را می‌دهند که چهار دهه قبل صرفاً از مردم ایران شنیده می‌شد. راه‌اندازی رسانه‌های محلی و منطقه‌ای توسط مردم برای انعکاس صدای جدید در ساختار رسانه‌ای و تبلیغاتی، به حاشیه رانده شدن گروه‌های غرب‌گرا در جوامعی مانند افغانستان و قطع امید عقبه اجتماعی آنها از غرب و آمریکا، ناکارآمدی طرح‌های سازش با صهیونیست‌ها و نفی و طرد عادی‌سازی روابط چند کشور مرتجع منطقه با رژیم صهیونیستی و محکومیت آنها از سوی جریان‌های مردمی و ملت‌های مسلمان و آزاده و انعکاس ندای استقلال‌خواهی محور مقاومت در دیگر نقاط دنیا مانند آمریکای لاتین همگی نوید یک آینده روشن نزدیک را برای اردوگاه مقاومت می‌دهند.

حفظ انگیزه و امید و نظر به راهی که تاکنون طی شده در چنین شرایطی ضروری است: «اینها زمینه‌ها و عواملی است که اوضاع مساعد کنونی دنیای اسلام را برای حرکت یکپارچه و متحد فراهم آورده است. دولت‌های مسلمان،

و نخبگان دینی و علمی، و روشنفکران مستقل، و جوانان حقیقت‌جو بیش از همه باید به بهره‌گیری از این
[۱۴/۰۴/۱۴۰۱](#) «زمینه‌های مساعد بیندیشند»

در چنین فضایی است که غرب و ایادی رسانه‌ای و منطقه‌ای آن با مشاهده ملت‌های مسلمان منطقه از یک
سرود که با مضمون عرض ارادت به آستان حضرت ولی عصر عجل‌الله‌تعالی فرجه‌الشریف ساخته شده است هم
احساس خطر می‌کند و با بغض و کینه درباره آن سخن می‌گویند

شاید اگر عمر آن متفکر فرانسوی به سر نرسیده و الان در قید حیات بود، چنین سطوری بر صفحه جاری
می‌کرد: "حوادث غرب آسیا قیام انسان‌هایی با دست خالی است که می‌خواهند باری را که بر پشت ایشان
بار نظم جهانی را! درماندگی آدم‌های سیاسی قابل درک است... در حساب :سنگینی می‌کند از میان بردارند
سیاست چنین جنبشی را باید کجا نشانند؟! جنبشی که در آن نفس مذهبی دمیده شده است و بیش از آنکه از
"عالم بالا سخن بگویند به دگرگونی این دنیا می‌اندیشد"